



رونمایی از «گفتارهایی

در فرهنگ و ارتباطات اسلامی»

مراسم رونمایی از کتاب «گفتارهایی در فرهنگ و ارتباطات اسلامی» نوشته ناصر باهنر برگزار می‌شود. در این مراسم احمد یاکتچی، محمدحسین ساعی، حسن خیری و مولف کتاب سخنرانی می‌کنند. این برنامه امروز (۱۵ آذر) از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در محل مرکز کتب علوم انسانی فروشگاه انتشارات دانشگاه امام صادق(ع) برگزار می‌شود.



کرسی ترویجی

نقد نظریه بطون آیات

«کرسی ترویجی نقد نظریه بطون آیات» آیت‌الله محمدهادی معرفت در دانشگاه قم برگزار می‌شود. در این نشست علمی که با ارائه سعیده‌سادات غروی همراه است، عبدالکریم بهجت‌پور و رحمان ستایش به عنوان ناقد حضور دارند. این نشست امروز (۱۵ آذر) از ساعت ۱۰ تا ۱۲ در تالار اندیشه دانشگاه قم برگزار می‌شود.



کارگاه «برزخ اخلاق‌ورزی

در ایران معاصر» برگزار می‌شود

کارگاه فلسفه اخلاق با موضوع «برزخ اخلاق‌ورزی در ایران معاصر» و نقد و بررسی کتاب «فلسفه برای نواززان» محمدصادق روحانی برگزار می‌شود. در این کارگاه سیدحسن اسلامی به سخنرانی می‌پردازد. این کارگاه سه‌شنبه ۱۶ آذر، از ساعت ۱۸ در قم، بلوار محمد امین(ص)، کوچه ۱۳، پلاک ۲۹ برگزار می‌شود.



نصرالله پورجوادی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

در آواز شجریان حسن الهی قرار دارد

کسانی که نمی‌توانند این موضوع و زیبایی را درک کنند همه اینها را با یک چوب می‌انند.

آن وقت درک این زیبایی در توان هر فردی هست؟ موسیقی بد، موسیقی ای است که باعث غفلت می‌شود و از ورای حجاب می‌آید؛ یعنی در آن حجاب باشد و نگذارد شما نزدیک شوید. اما کسی که همه را با یک چوب می‌راند و می‌گوید همه موسیقی‌ها این گونه هستند شعور و درک ندارد. درواقع کسی که زیبایی موسیقی را درک نمی‌کند کافر است؛ چون موسیقی او را به یاد حق نمی‌اندازد. کافر یعنی پوشاندن که از کفر می‌آید. کسی که زیبایی را در موسیقی درک نمی‌کند، پوشیده و در برابر جمال الهی چشم بسته است؛ حال هر کسی که می‌خواهد باشد. مانند تلاوت قرآن. کسی که زیبایی صوت خوش تلاوت قرآن را درک نکند و به یاد زیبایی حق نیفتد و بگوید این چیست، آن وقت او کافر است. البته کافر به معنای عرفانی آن؛ یعنی پوشیده و در حجاب قرار دادن حق یا حق را فراموش کردن.

شما در گفته‌های خود درباره موسیقی به نکته دیگری هم اشاره کرده بودید و آن، این بود که اعراب جاهلی موسیقی نداشتند و موسیقی را به واسطه ارتباط با ایرانیان و مسیحیان شناختند. می‌توان گفت موسیقی نسبت مستقیم با تمدن داشته است؟

این‌طور نیست که اعراب با موسیقی نسبتی نداشته‌اند. کسانی هم بوده‌اند که در همان عربستان و حجاز و در زمان پیامبر صوت خوش داشته‌اند و صوت خوش طبیعی همه انسان‌ها است. اما آنچه من می‌گویم این است که پرورش موزیسین و کسانی که بتوانند از این هنر خوب استفاده کنند در هر ملت یا کشوری صورت نمی‌گرفته؛ بلکه این مساله در تمدن‌ها وجود داشته است. بین نقاشی کردن یک بچه و یک نقاش ماهر فرق است؛ گرچه هر دو یک کار را انجام می‌دهند. نقاش ماهر هم در دوران کودکی به همان شکل نقاشی می‌کرده است اما مهارت کسب کرده و تقویت شده است. موسیقی از لحاظ نکتات ابتدایی و آموختن ریتم از همان ابتدا بوده است؛ حتی در قبایل ابتدایی آفریقای هم وجود داشته است. ولی اینکه پرورش پیدا کرده باشد، این امر نیازمند و محتاج تمدن است. مثلاً تا به حال از خود پرسیده‌اید که چرا شهری مثل اصفهان این همه موزیسین خوب دارد؟ مثل کسایی، جلیل شهنواز، تاج اصفهانی و ده‌ها موزیسین دیگر. چون اصفهان در دوره‌ای پایتخت بوده و به نوعی مرکز تمدن محسوب می‌شده، هنرمندان زیادی پرورش داده است. تاثیر آن تمدن را در تربیت موزیسین‌ها، ما همچنان در این دوران هم مشاهده می‌کنیم. ولی وقتی به شهرستان‌های دور افتاده توجه کنید می‌بینید اثر کمتری از موسیقی در آنها هست. ایران در قدیم امپراتوری بوده و در دربار و جاهای مخصوص مانند نیکسا موزیسین‌های معروفی را تربیت کرده‌اند که نام‌شان اسطوره است. گرچه تنها نام چند تن از اینها ماندگار شده اما تعدادشان بسیار بوده است. وجود این افراد به خاطر فرهنگ تعلیم و تربیت موسیقی در چنین تمدن‌هایی بوده است.

در امپراتوری بیزانس هم این نحو تعلیم و تربیت وجود داشته است؛ مانند تعلیم و پرورش شاعران. اما این نحو تعلیم و تربیت در شبه‌جزیره عربستان آن زمان فضایی‌گونه‌ای نبوده که بگوییم دغدغه موسیقی هم وجود داشته است، آن هم موسیقی به این شکل. اما در ایران مثلاً ما آثار اعوانی را داریم که شاهکار هستند

در امپراتوری بیزانس هم این نحو تعلیم و تربیت وجود داشته است؛ مانند تعلیم و پرورش شاعران. اما این نحو تعلیم و تربیت در شبه‌جزیره عربستان آن زمان فضایی‌گونه‌ای نبوده که بگوییم دغدغه موسیقی هم وجود داشته است، آن هم موسیقی به این شکل. اما در ایران مثلاً ما آثار اعوانی را داریم که شاهکار هستند



نصرا الله پور جوادی، استاد فلسفه و پژوهشگر و نویسنده حوزه عرفان اسلامی چندی پیش مسائل مهمی را در رابطه با تاریخچه موسیقی و نسبت اسلام و عرفان با آن مطرح کرده بود.

به همین بهانه در مصاحبه پیش رو با نصرالله پورجوادی به برداشت عرفانی از موسیقی و نسبت آن با تمدن اسلامی پرداخته ایم.

شما پیش از این درباره موسیقی صحبت کرده بودید و موسیقی را به موسیقی بد و خوب دسته‌بندی کردید. سوال این است که از دید اندیشه عرفانی آنجا که موسیقی یک حسن و زیبایی تلقی می‌شود کجا و چگونه است؟

موسیقی هنری است که مانند هنرهای دیگر حسن الهی در آن تجلی شده؛ یعنی زیبایی و جمال، مثل یک گل که شمع محسوس است و حسنی در آن تجلی کرده است. درواقع گل یک زیبایی جزئی است از زیبایی کلی. زیبایی کلی همان حسن ذاتی است که در حق است. موسیقی هم به همین شکل است، منتها گل برای دیدن است و موسیقی برای شنیدن. موسیقی لزوماً با ساز نیست و می‌تواند با صوت باشد. مثل کسی که شری را زبیا می‌خواند یا فرض کنید کسی که قرآن را با صدای خوش تلاوت می‌کند، این نوع زیبایی در آن وجود دارد. به همین خاطر است که مثلاً ما صدای شجریان را دوست داریم؛ چون این زیبایی در آن است و

این زیبایی، زیبایی الهی است؛ زیبایی‌ای که جلوه دیگر آن را در غروب آفتاب یا آسمان پرستاره می‌بینیم یا حتی در صورت یوسف. همه اینها تجلیات حسن است. همین بوی خوش، نکویی و خوبی آن، همه جلوه‌ای است از حسن الهی. هر کدام از این حسن‌های جزئی مثل حسنی که در گل است، حسنی که بوی خوش دارد یا حسنی که در تلاوت قرآن است، حسنی که در صدای محمد رضا شجریان است، اینها همه حسن الهی است منتها

هر کدام شعاع‌های باریکی از حسن هستند. فلسفه هنر قدیمی ترها این بوده که می‌گفته‌اند تو باید طوری گوش کنی، نگاه کنی و بو کنی که از جزء به کل بی‌ببری و از این جلوه به خود حق، به آن حسنی که در حق وجود دارد برسی؛ یعنی یا به منبع حسن نزدیک شوی یا برسی. بنابراین موسیقی خوش یا موسیقی خوب، موسیقی‌ای است که شما با شنیدن و تأمل در آن و پیدا کردن جمعیت خاطر حین گوش دادن به آن بتوانید به یاد حسن کلی الهی بیفتید؛ یعنی قرب پیدا کنید آن هم قرب حق. موسیقی‌ای که در بهشت به آن اشاره می‌شود موسیقی‌ای است که همه بهشتیان را به یاد حق می‌اندازد و به او نزدیک می‌کند. بنابراین موسیقی خوش یک وسیله است. این مساله از دید عرفانی به گونه‌ای است که به شما می‌گوید باید طوری نگاه یا گوش کنید که جمعیت خاطر پیدا کنید. جمعیت خاطر پیدا کردن؛ یعنی اینکه

خود را فراموش کنی و فقط به طرف منبع حسن، جماد و زیبایی حرکت کنی. کسی که صوت شجریان را دوست دارد و زیبایی آن را درک می‌کند درواقع زیبایی خدا را درک کرده است. اگر زیبایی متعلق به حق نبود ما از آن خوش‌مان نمی‌آمد. چون لذتی که در موسیقی زیباست لذتی از جنس بهشتی است.



زهراسلیمانی‌ا قدم خبرنگار گروه اندیشه



از سوی پژوهشکده اسناد برگزار می‌شود

۱۷۰ سال با دارالفنون



جمعی از دانش‌آموختگان دارالفنون در دهه ۳۰

دارالفنون را «نخستین دانشگاه در تاریخ مدرن ایران» دانسته‌اند؛ موسسه‌ای که سوغات سفر میرزا تقی‌خان امیرکبیر، مرد با کفایت دوران ناصرالدین شاه قاجار بود. او که پس از این سفر به همسایه شمالی متوجه ضرورت آموزش عالی در ایران شده بود از ابتدای صدارت خود در دوران ناصری برای افتتاح این مدرسه تلاش کرد؛ اما دسیسه درباریان و دستور شاه برای قتل او در حمام فین کاشان هیچ‌گاه این فرصت را به او نداد تا لذت آغاز کلاس‌های آنچه را امروز به آن «موسسه آموزشی» می‌گویم، بجشد. نوشته‌اند «نخستین دسته‌از استادان به سرپرستی یاکوب ادوارد پولاک، دو روز پس از دستگیری و تبعید امیرکبیر به تهران رسیدند.» چنین بود که تا افتتاح دارالفنون در ایران آن روز، راه درازی در پیش گرفته شد. دارالفنون یکشنبه ششم دی ۱۲۳۰ برابر با پنجم ربیع‌الاول ۱۲۶۸ قمری، ۱۳ روز پیش از قتل امیرکبیر و با حضور ناصرالدین‌شاه، آقاخان نوری صدراعظم جدید و گروهی از دانشمندان و معلمان ایرانی و اروپایی با نفر شگرد رسماً گشایش یافت. افتتاح دارالفنون ۳۰ نفر شاگرد رسماً گشایش یافت. افتتاح دارالفنون به هدف بررسی دوباره رهاوردهای مهم این متفکر اسلام‌شناس و نیز نقش برجسته و ارزشمند مفهوم فلسفی اسلام برگزار شد. در جریان این نشست، چند سخنران نیز حضور داشتند و مقاله‌های خود را با محوریت موضوع عالم مثال و دنیای خیال ارائه دادند. از جمله سخنرانان این نشست، کریستین ژامیه، استاد و رئیس لابراتوار مطالعات ادیان توحیدی بود که سخنرانی خود را با موضوع «عالم مثال: هنر الهی به باور اندیشمندان ایرانی قرن هفدهم» ارائه داد.

نقد و نظر

بررسی اندیشه‌های کربن در پاریس

متافیزیک برآمده از الهامات و نگرش‌های پروردگار

کربن و منابعی مطالعاتی او پرداخت. او با تقسیم‌بندی منابع مطالعاتی کربن به چهار دسته و دوره تاریخی به ریشه‌های فکری کربن در خصوص تبیین مفهوم عالم مثال توسط کربن در فلسفه غرب پرداخت. سخنران بعدی این گردهمایی فلسفی، هادی فخوری، استاد دانشگاه کانادایی مک‌گیل بود که با مقاله‌ای تحت عنوان «ارتدوکسی، فلسفه یونانی و بیژانتیسم رمانتیک، پیرامون چند متن بی‌نظیر از هانری کربن» نکاتی را مخصوص برای حاضران برشمرد.

هانری کربن، از سال ۱۹۴۵ تا زمان مرگش در سال ۱۹۷۵، مدرس دپارتمان علوم مذهبی و مدرسه عملی مطالعات عالی بود و آثار او به عنوان اولین مترجم فیلسوف بزرگ آلمانی، هایدگر، به زبان فرانسه و شرقی ترجمه شده است. کربن همچنین مدتی استاد فلسفه در دانشگاه تهران بوده است و در این مدت طی مکاتبات و ملاقات‌های حضوری با علامه طباطبایی، بهره‌های فراوان برد؛ آنچنان که به گفته او این دیدارها تحولی بزرگ در زندگی او پدید آورد. برخی متفکران، اندیشه او را نزدیک به پروتستانیسم می‌دانند در حالی که سیدحسین طباطبایی اعتقاد دارد اندیشه او بسیار به مذهب تشیع نزدیک بوده است و معتقد به وجود امام غایب بود و به همین بهانه نیز، کربن کتابی با نام «امام غایب» به رشته تحریر درآورده است.



هانری کربن

نشست «ورزش و جهانی شدن»

برگزار می‌شود

انجمن جامعه، ورزش و فرهنگ ایرانی با همکاری اندیشگاه فرهنگی کتابخانه ملی از سلسله نشست‌های جامعه و ورزش نشست «ورزش و جهانی شدن» را برگزار می‌کند. این نشست با حضور مجید خاتونی، سیدجواد میری و امان‌الله قرایی مقدم برگزار می‌شود. این نشست امروز (۱۵ آذر) از ساعت ۱۴ در کتابخانه ملی برگزار می‌شود.



چهره روز

ولایتی در نشست کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران بیان کرد

نقش زکریای رازی در تمدن اسلامی

یکصد و بیست و هفتمین نشست کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران شورای عالی انقلاب فرهنگی به ریاست علی اکبر ولایتی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در محل دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی برگزار شد.



علی اکبر ولایتی

در ابتدای جلسه و پس از ارائه توضیحات لازم در خصوص دانشگاه جندی شاپور مقرر شد، گزارشی از وضعیت آثار و بقایای این دانشگاه و لزوم حراست و حفاظت از این آثار برای ملاحظه و استحضار حسن روحانی رئیس‌جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی تدوین شود.

در ادامه جلسه مساله تاکید بر گفتمان اتحاد اسلامی و بازخوانی تجربیات تمدن اسلامی در همه ابعاد به‌منظور طرح ریزی تمدن نوین اسلامی یکی از جمله محورهایی بوده که ولایتی در سخنرانی خود به آن پرداخته است. ولایتی با اشاره به ضرورت استفاده از میراث گرانقدر تمدن اسلامی برای طراحی تمدن نوین اسلامی معتقد است علم و فناوری نوین در جهان امروز تا حدود زیادی موهون تلاش‌های علمی مسلمانان در همه زمینه‌هاست. او توضیح داد که تلاش غربی‌ها در چند سال اخیر برای انکار تمدن اسلامی، خسارات بزرگ و جبران‌ناپذیری به این تمدن وارد کرده است. به گفته ولایتی آنچه در تمدن اسلامی بسیار شاخص و مهم است ارتباط و پیوستگی جهت‌دار و هدفمند علوم با یکدیگر است؛ از این رو به زعم وی حکومت و جامعه اسلامی دو مقدمه لازم برای تمدن نوین اسلامی هستند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی همچنین با اشاره به نقش زکریای رازی در تمدن اسلامی توضیح داد که این دانشمند کم‌نظیر در طول ۲۵ سال فعالیت علمی خود بیش از ۲۰۰ کتاب گران‌سنگ تالیف کرده و متأسفانه نه علت آنکه شیعه بوده آماج تهمت‌های فراوانی قرار گرفته است.

گفتار روز

علیرضا صدرا:

ولایت جمع عقلانیت

و معنویت است

علیرضا صدرا، عضو هیات علمی دانشگاه تهران در نشست وجوه تمایز مکاتب فلسفه سیاسی اسلامی با محوریت قرار دادن بحث تمایز مکاتب فلسفی از مکاتب فلسفه سیاسی به سخنرانی پرداخته که بخش مختصری از این سخنرانی در ادامه آمده است.

مکاتب فلسفی از مکاتب فلسفی سیاسی متمایز هستند

باید حکمت مدنی را به جای فلسفه سیاسی عنوان کرد؛ زیرا حکمت اعم از فلسفه و مدنی هم اعم از سیاست است. به عنوان مثال علامه مطهری و علامه طباطبایی فیلسوفان مدنی هستند؛ اما سیاسی نیستند و به دنبال تشکیل دولت نبوده‌اند. حکمت به معنای علم به معنای



علیرضا صدرا استاد دانشگاه

هنر شناسی، چستی شناسی و چگونگی شناسی در نظر گرفته می‌شود. با این پیش‌فرض حکمت مدنی از فاضلی شروع می‌شود که جامع ولی اجمالی است. سپس حکمت مدنی مشاء داریم که بعد برهانی و عقلی را باز کرده است.

حکمت اشراقی، حکمتی شهودی و عرفانی است در حالی که حکمت مشایی تاکید بر عقل و برهان دارد. نگاه در حکمت اشراقی و مشایی می‌شود نه اینکه موضوع عوض شود و در واقع عقل و نور با هم یکی است. با توجه به حملات مغول جهان اسلام دارای مشکل شده و لازم بوده از نظر معنوی تغذیه شود.

ولایت جمع عقلانیت و معنویت است؛ زیرا ولی هم عاقل و هم عارف است. بعد عقلانی ولایت را سینویه مطرح می‌کند اما در دوره ملاصدرا جمع می‌شود و در نهایت امام خمینی (ره) در کتاب‌های مصباح الهدایه و ولایت فقیه به طور جامع ولایت را مطرح می‌کند. پس از آن علامه جعفری حیات معقول را مطرح می‌کند و اگر امروز حاضر بود به حیات متعالی هم اشاره می‌کرد. علامه جعفری با توجه به اوضاع آن موقع جهان اسلام به عقلانیت اشاره کرده است؛ اما امروز اگر بود به حیات متعالی تاکید می‌کرد.

خواج نصیر حکمت را تجميع نکرده؛ بلکه به یکدیگر نزدیک کرده است. حکمت بعد از فارابی به دو شاخه تقسیم می‌شود و خواج نصیر آن را موازی یکدیگر قرار می‌دهد؛ اما ملاصدرا آن را ترکیب می‌کند و امام خمینی (ره) آنها را تحقق می‌بخشد و علامه جعفری به حیات معقول می‌رسد؛ سابقه آن هم حکمت راستین یونان است که ریشه آن در حکمت جاویدان شرقی و ایرانی است.